

مقامات ابن عربی

از زبان ابن عربی

دکتر انوشه شریعت تربقانی

سپیده گریه دونا

سرشناسه	: ابن عربی، محمد بن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ ق. Lbn al- Arabi
عنوان و نام پدیدآور	: مقامات ابن عربی از زبان ابن عربی / [صحیح: گردآورندگان] انوشه شریعت تربقانی، سپیده کریمی دونا
مشخصات نشر	: تهران: لاهوت، ۱۳۹۶
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۸۳-۱۱-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: عرفان - متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	: Mysticism— Early works ۲۰ th entury:
موضوع	: تصوف - متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	: Sufism— Early works ۲۰ th entury:
شناخت	: شریعت تربقانی، انوشه، ۱۳۴۶-
شناسه رده	: کریمی دونا، سپیده، ۱۳۶۲-
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ الف م ۲ / ۷ BP ۲۸۲
رده بندی دیو	: ۲۹۷
شماره کتابشناختی	: ۴۰۴۲۵۱۲

نام کتاب: مقامات ابن عربی از زبان ابن عربی

مولفان: دکتر انوشه شریعت تربقانی - سپیده کریمی دونا

ناشر: انتشارات لاهوت

نوبت چاپ: اول - ۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: احسان

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۸۳-۱۱-۰

آدرس: میدان انقلاب - خیابان منیری جاوید - بن بست توحید - پلاک ۴

همراه: ۰۹۱۲۵۰۹۰۹۹۱

تلفن: ۶۶۴۸۸۴۹۶

فهرست مطالب

۳۹.....	رحمت الهی.....	۱۳.....	دییاجه.....
۴۰.....	تکوین اشیاء.....		
۴۰.....	مأموریت از طرف پیامبر.....		فصل اول: کشف وشهودها
۴۱.....	برده برداشتن از جهل.....	۲۹.....	اعجاز قرآن.....
۴۲.....	رسول.....	۳۰.....	تمثیل دوزخ.....
۴۲.....	پیامبر.....	۳.....	اکتشافات علمی.....
۴۶.....	علم غیب.....	۳۱.....	کتابت الهی.....
۴۷.....	علم.....	۳۲.....	واقعه برزخی.....
۵۰.....	سوره های.....	۳۲.....	سوره «ص».....
۵۱.....	مفاتیح سرائین جود.....	۳۲.....	زیارت حق.....
۵۲.....	سوره واقعه.....	۳۳.....	تجسد محبوب.....
۵۲.....	نگارش کتاب.....	۳۴.....	پاداش اذان.....
۵۳.....	گفتگو با ارواح.....	۳۴.....	دیدن درون شکم مادر.....
۵۳.....	منزل حل و عقد.....	۳۴.....	حضرت فتح.....
۵۳.....	شناسایی.....	۳۵.....	مشاهده پیامبر.....
۵۴.....	منازله بین اسماء.....	۳۵.....	مشاهده جمع پیامبران.....
۵۴.....	آدمیان قبل از آدم ابوالبشر.....	۳۷.....	قطب توکل.....
۵۵.....	روح.....	۳۷.....	بزرگی از خراسان.....
۵۶.....	تقریب الهی.....	۳۸.....	بندهای برای آموزش.....
۵۶.....	ابلاغ از حق.....	۳۹.....	اقطاب بر قلب انبیا.....
۵۷.....	دیهم.....	۳۹.....	وراثت نبوی.....

مدبران از زکبان ۹۶	معرفت منزل ماه ۵۷
اصحاب و یاران عیسی 7 و یونس 7 ۹۶	رایت اسماء ۵۸
دیوانگان خردمند ۹۷	منزل دو سر ۵۹
مردان نفس الرحمن ۹۷	تجلی سوره اخلاص ۵۹
اهل علیا ۹۸	تقسیم یوم الهی ۶۰
منتسبان به خدا ۹۹	علت درد ۶۱
صاحبان مقام «مؤمن» ۹۹	ظلمت هیکل ۶۱
خدا ۹۹	مشاهده عیان ۶۴
اهل عظمت ۱۰۰	مرتبه أم الجمع ۶۴
امام اقصی ۱۰۰	آیات ۷۳
مشایخ ۱۰۰	انزال آیه ۷۴
اوتاد ۱۰۱	معرفت نفس ۷۵
متکلم طفولیت ۱۰۱	ذوقی ۷۷
بشر با قوه تمثیل ۱۰۲	عرش ۷۸
صاحبان ادواق ۱۰۳	هویت الهیه ۷
انوار ریاح ۱۰۳	معرفت فتوح ۸
حواریون ۱۰۳	دگرگونی احوال ۸
رجیون ۱۰۴	عیسی 7 ۸۰
رجیان ۱۰۴	حروف ۸۰
مفسرین ۱۰۶	گنجی در کعبه ۸۱
اولیا ۱۰۶	کعبه و زمزم ۸۲
ختم ولایت ۱۰۷	مراسله و معاتبه با کعبه ۸۲
گروهی بر قلب عیسی ۱۰۸	حجر الاسود ۸۵
صاحب اسرار ۱۰۸	گفتگو با حق ۸۵
	ارتباط با نوشته ۸۵

فصل سوم: مقامها

اسماء ۱۱۱
خرقه خضر ۱۱۲
قرآنی ۱۱۲
مفاوضه بدون کلام ۱۱۲
راه رفتن در هوا ۱۱۳

فصل دوم: ملاقاتها

اقطاب ۸۹
صاحب حال ۹۰
ختم خاص ۹۲
خضر ۹۲

۱۳۰.....	نور پشت سر.....	۱۱۳.....	مشاهده حال.....
۱۳۰.....	صدقه‌ی تطوع.....	۱۱۳.....	ارث محمدی.....
۱۳۱.....	فتح.....	۱۱۵.....	غایب از خود.....
۱۳۱.....	شفاعت.....	۱۱۶.....	اجازه حکم.....
۱۳۱.....	مقام ابراهیم.....	۱۱۷.....	آگاهی بر مخلوقات.....
۱۳۳.....	منابع.....	۱۱۸.....	مشاهده.....
		۱۱۹.....	قُرب.....
		۱۲۰.....	آرزوی پیامبران.....
		۱۲۱.....	اسم «مؤمن».....
		۱۲۱.....	اسم «لطیف».....
		۱۲۲.....	شفاعت شدن.....
		۱۲۲.....	بهره‌مند شدن از ابن عربی.....
		۱۲۲.....	قطب.....
		۱۲۳.....	وارث رحمت.....
		۱۲۳.....	خاتمیت.....
		۱۲۳.....	کلید فهم قرآن.....
		۱۲۴.....	مفاتیح خزاین جود.....
		۱۲۴.....	اولیا.....
		۱۲۵.....	حاملان عرش.....
		۱۲۵.....	تسلیم بودن پادشاهان.....
		۱۲۶.....	وراثت نبوی.....
		۱۲۶.....	معرفت منازل پرسش از دو انیت.....
		۱۲۷.....	نور شدن.....
		۱۲۷.....	روح عالم فراگیر ارواح اشخاص.....
		۱۲۷.....	عبودیت در ارض الله واسع.....
		۱۲۸.....	منزل «ایاک اعنی فاسمعی یا جاره».....
		۱۲۸.....	اتصال به حق.....
		۱۲۸.....	نبوت.....
		۱۲۹.....	معرفت منزل اُلفت.....
		۱۲۹.....	علم ادواق.....
		۱۳۰.....	عبودیت.....

دیباچه

از مدت‌ها قبل با کتاب‌های ابن عربی در مورد عرفان نظری آشنا شدیم و کم‌کم آثار این بزرگ‌مرد بیشتر و بیشتر توجه ما را به خود جلب نمود. ذوق دانستن درباره این عارف نامی ما را بر آن داشت تا تحقیقاتمان را گسترده‌تر نمائیم و راجع به نگرش، راه و روش زندگی، جایگاه، پیروان و مخالفان ایشان بیشتر بدانیم. در این حین بهترین شیوه را در آن دیدیم که مقام‌های شیخ را از زبان خودشان بدانیم. در این راستا به بزرگترین اثر ماندگار ایشان یعنی «فتوحات مکیه» مراجعه نمودیم. مطالب بسیار ارزنده‌ای یافتیم که انتشار آن‌ها را خالی از لطف ندیدیم. قابل ذکر است که برای رعایت امانت‌داری و امکان مطالعه‌ی بیشتر، در انتهای هر بند منبع بدین ترتیب آورده شده است که عدد سمت چپ باب و اعداد سمت راست بند یا بندهای مربوطه می‌باشند.

نظر دیگران

محبی‌الدین محمدبن علی بن محمدبن عربی طائنی حاتمی معروف به محبی‌الدین ابن عربی، شیخ اکبر و سلطان‌العارفین از عارفان بزرگ قرن پنجم (ه.ق) که مانند سایر عارف‌های نامی، موافقان و مخالفان زیادی دارد. به نظر می‌رسد دلیل اصلی این ستایش‌ها و نکوهش‌ها، اختلاف در دیدگاه‌ها و درک و فهم اندیشه‌های عرفانی می‌باشد. برخی، آثار ابن عربی را کفر و الحاد می‌پندارند و برخی دیگر ارزشمند، قابل تأمل و مفید برای علم می‌دانند.

برای مثال سید حیدر آملی عارف ایرانی که خود در برخی اصول از جمله «وحدت وجود» از پیروان شیخ اکبر محسوب می‌شود و در خلال آثار خود او را با عنوان شیخ‌الاعظم یاد کرده است، در قسمتی از کتاب «نص النصوص در شرح فصوص الحکم محیی الدین» از او به نیکی چنین یاد می‌کند:

گروهی از خداوندان توحید و خواص ایشان، و دسته‌ای از اهل الله و خلاصه آنان از من به التماس ذی‌اوان و مبالغه‌ای که بالاتر از آن ممکن نبود درخواستند که شرحی بر کتاب «فصوص الحکم» که منسوب به رسول الله ۹ است و آن را به شیخ کامل مکمل، محیی الحق و المله والدین، ابن عبد الله محمد بن محمد بن محمد، المغربي الاندلسی الحاتمی الطائی (قده) اعطا فرموده بنویسم. این کتاب را رسول اکرم به هنگام خواب در شب دهه آخر محرم سال ششصد و بیست و هفت هجری در شهر دمشق به ایشان عنایت فرموده و گفته: «ای فلان، این فصوص الحکم است، آن را بگیر نزد مردمان ببر تا از آن بهره‌مند گردند» چنان‌که خود شیخ نیز در آغاز کتابش گفته است [آملی سید حیدر: مقدمه کتاب نص النصوص، ص ۱۲].

در قسمت دیگری از همان کتاب با او به مخالفت می‌پردازد: شیخ اکبر محیی الدین بن عربی بر این عقیده است که خاتم اولیا مطلق عیسی بن مریم ۷ است و خاتم اولیا مقید خود اوست. و ما به اتفاق اکثر مشایخ و علمای پس از انبیا و اولیا این قول و رأی شیخ اکبر را خلاف عقل و نقل و کشف می‌دانیم. و اکنون می‌خواهیم بنابر این به اصل به تحقیق موضوع پرداخته و ثابت کنیم که چنین نیست. بلکه خاتم اولیای مطلق عیسی بن ابی طالب ۷ است نه کس دیگر و خاتم اولیای مقید نیز فقط حضرت مهدی ۷ است. و بیان مطلب امکان ندارد مگر پس از نقل کلام شیخ اکبر در این موضوع و ذکر دعوی او و سپس الزام و اسکات وی با دلایل کافی [همان، ص ۱۶۱].

از دیگر موافقان ابن عربی می‌توان به استاد شهید مرتضی مطهری اشاره کرد که می‌فرماید: آن کسی که عرفان را به صورت یک علم درآورد و به اصطلاح متفلسف [فلسفی] کرد و به

صورت یک مکتب درآورد و در مقابل فلاسفه عرضه داشت و فلاسفه را در واقع تحقیر و کوچک کرد و روی فلسفه اثر گذاشت و فلاسفه‌ای که بعد از او آمدند چاره‌ای نداشتند جز این که به نظرهای او با اعتنا باشند، بدون شک «محبی‌الدین عربی» است. پدر عرفان نظری اسلامی محبی‌الدین عربی آن اعجوبه عجیب روزگار است. محبی‌الدین در عرفان عملی نیز قدم راسخ داشته است، یعنی اصلاً از اول عمرش یک مردی بوده که اهل ریاضت و مجاهده بوده است. محبی‌الدین اول کسی است که عرفان را متفلسف کرد، یعنی به صورت یک مکتب منظم درآورد. و اصلاً این مسأله‌ی «وحدت وجود» که محور عرفان است - و حتی در عرفان عملی هم همین طور است - که - الا یک بحثی درباره آن هست، چون آن توحیدی که عارف آخرش به آن می‌رسد - اصل وحدت وجود است، در عرفان عملی - و این وحدت وجودی که در عرفان نظری بیان شد، اول بار توسط محبی‌الدین عربی بیان گردید و او بود که شاگردهای عظیم و بزرگی تربیت کرد و هر یک هم که از آن زمان به بعد آمده ریزه‌خوار محبی‌الدین است بدون شک، و اصلاً این مرد یک شور و غوغای عرفانی در جهان اسلام بپا کرد... محبی‌الدین سال‌ها در مکه مجاور بوده و فتوحات خودش را - که از یک نظر بزرگ‌ترین کتاب عرفانی است - در مکه نوشته است و به همین سبب فتوحات او فتوحات مکیه نامیده می‌شود [مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۳، ص ۳۲۸-۳۲۱]

قبلاً هم عرض کردیم که یکی از عرفایی که الهام‌دهنده همان بواب عرفانی است که از قرن هفتم به بعد آمده‌اند، محبی‌الدین عربی است. محبی‌الدین عربی خواه ناخواه پدر عرفان اسلامی است و او بود که تحول عظیم در عرفان اسلامی به وجود آورد. عرفای بعد از او همه از او الهام گرفته‌اند. مولوی، حافظ، شبستری و امثال این‌ها شاگردان مکتب محبی‌الدین‌اند بدون شک. محبی‌الدین شعر هم می‌گفته و بعضی شعرهایش هم خیلی عالی است نه همه. اصلاً او یک آدمی است که همان طور که ما مولوی را می‌گوییم در قالب شعر نمی‌گنجد او باز بیشتر در قالب شعر نمی‌گنجد؛ یک چنین آدم عجیبی است [همان، ص ۳۵۳].